

خطبه خط باروح الله

سرمقاله | ۲

وصیت نامه امام، تحریف امام، عقلانیت امام، معنویت امام، عدالت امام، دشمن شناسی امام، خردمندی، مقاومت امام، انقلابیگری امام، بصیرت امام، عصر امام، نهضت امام، هنر امام، یاد امام، اعتماد امام به مردم، شخصیت امام، جاذبه امام، رهبری امام، نقشه راه امام، مواضع امام، عبادت امام، باور ژرف به گفته و عمل و هدف خود، فقاہت امام، اخلاق امام، سیاست امام، بیانات امام، امید و اعتماد به خدا، پیش بینی های امام، نگاه جهانی امام، درسهای امام، شجاعت بی نظیر، دانش گسترده، حقانیت امام روح لطیف و زلال، سلوک حکومتی امام، دوران امام خمینی اخلاص در عمل، صراحت امام، عرفان امام، اراده ی پولادین، دفاع امام از فلسطین، مبارزات امام، شجاعت بی نظیر، اعتقاد امام به استقلال ملی، دانش گسترده، عدت امام با اشراف گیری روح لطیف و زلال، مکتب امام، اراده پولادین، باور ژرف به گفته و عمل و هدف خود، خط امام، راه امام، ایمان ناب، اخلاص در عمل، مؤمن متعبد انقلابی، شجاعت بی نظیر، تحریف امام، خردمندی، دوراندیشی، عقلانیت امام، معنویت امام، ایمان ناب، عدالت امام، بصیرت امام، اخلاص در عمل، اراده ی پولادین، عصر امام، نهضت امام، خردمندی، هنر امام، یاد امام، امید و اعتماد به خدا، اعتماد امام به مردم، شخصیت امام، اخلاص در عمل، جاذبه امام، باور ژرف به گفته و عمل و هدف خود، رهبری امام، دوراندیشی، نقشه راه امام، مواضع امام، ایمان ناب، اخلاص در عمل، عبادت امام، فقاہت امام، اخلاق امام، سیاست امام، عرفان امام شجاعت بی نظیر، دانش گسترده، دفاع امام از فلسطین، مبارزات امام، خط امام، راه امام، امید و اعتماد به خدا، اصول امام، دانش گسترده، روح لطیف و زلال، مؤمن متعبد انقلابی، وصیت نامه امام، خردمندی، خط امام، شجاعت بی نظیر، عقلانیت امام، معنویت امام، عدالت امام، دوراندیشی، دشمن شناسی امام، مقاومت امام، انقلابیگری امام، بصیرت امام، امید و اعتماد به خدا، عصر امام، نهضت امام، خردمندی، هنر امام، یاد امام، اعتماد امام به مردم، شخصیت امام، دوراندیشی، جاذبه امام، ایمان ناب، رهبری امام، نقشه راه امام، مواضع امام، عبادت امام، خردمندی، فقاہت امام، روح لطیف و زلال، اخلاق امام، خط امام دوراندیشی، بیانات امام، ایمان ناب، دوران امام، دانش گسترده، خردمندی، صراحت امام، حمایت امام از محرومان، شجاعت بی نظیر، عرفان امام، امید و اعتماد به خدا، دفاع امام از فلسطین، مبارزات امام، روح لطیف و زلال، اعتقاد امام به استقلال ملی، مکتب امام، دانش گسترده، اصول امام، ایمان ناب، اخلاص در عمل، مؤمن متعبد انقلابی، وصیت نامه امام، اراده ی پولادین، دانش گسترده، خط امام، خردمندی، معنویت امام، عدالت امام، مقاومت امام، اخلاص در عمل، انقلابیگری امام، ایمان ناب، بصیرت امام، عصر امام، نهضت امام، خردمندی، هنر امام، باور ژرف به گفته و عمل و هدف خود، یاد امام، اعتماد امام به مردم، دانش گسترده، شخصیت امام، امید و اعتماد به خدا، جاذبه امام، رهبری امام، روح لطیف و زلال، شجاعت بی نظیر، دانش گسترده، نقشه راه امام، مواضع امام، اراده پولادین، عبادت امام، خردمندی، دوراندیشی، ایمان ناب، اخلاص در عمل، شجاعت بی نظیر، فقاہت امام، اخلاق امام، سیاست امام، روح لطیف و زلال، بیانات امام، پیش بینی های امام، نگاه جهانی امام، درسهای امام، خط امام، صراحت امام، اخلاص در عمل، مکتب امام، عرفان امام، جاذبه امام، شجاعت بی نظیر، دفاع امام از فلسطین، اعتقاد امام به استقلال ملی، مواضع امام، مکتب امام، دوراندیشی، راه امام، مؤمن متعبد

خط به خط با روح الله



عصر روز دهم فروردین سال ۱۳۴۲ وقتی مأموران رژیم پهلوی به مردم و طلاب عزادار شهادت حضرت امام صادق (ع) مدرسه‌ی علمیه‌ی فیضیه در قم یورش بردند و با سفاکی هرچه تمام‌تر، دست به سرکوب و خشونت زدند، چنان جوّ رعب و وحشت بر شهر سایه افکنده بود که حتی بیمارستان‌های این شهر نیز جرئت پذیرش مجروحان این حمله‌ی وحشیانه را نداشتند. در این وضعیت، جمع کوچکی از طلاب برای چاره‌جویی و شرح موقع به منزل امام رفتند و در واقع، به آنجا پناه بردند. حق هم داشتند بترسند؛ آنچه دیده بودند و تجربه کرده بودند حداقل در تاریخ معاصر ایران کم نظیر بود. امام خمینی، در آن جمع محدود و مضطرب، سخنانی گفتند که عجیب می‌نمود: «نا راحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور کنید. شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصائب و فجایع، صبر و استقامت کردند که آنچه ما امروز می‌بینیم، نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته‌اند و در راه دین خدا یک چنان مصائبی را تحمّل کرده‌اند. شما امروز چه می‌گویید؟ از چه می‌ترسید؟ برای چه مضطربید؟... دستگاه حاکمه با ارتکاب این جنایت، خود را رسوا و مفتضح ساخت و ماهیت چنگیزی خود را به خوبی نشان داد. دستگاه جبار با دست زدن به این فاجعه، شکست و نابودی خود را حتمی ساخت. ما پیروز شدیم؛ ما از خدا می‌خواستیم که این دستگاه ماهیت خود را برزور دهد و خود را رسوا کند.» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱، ص ۱۶۶)

این سخنان، در آن جوّ رعب و وحشت و ساعتی پس از یک سرکوب و وحشیانه و تمام عیار، در ظاهر آن قدر از واقعیت آن لحظه و صحنه دور بود که انگار فقط گفته شده بود تا مرهمی بر روح مضطرب و دل لرزان آن جمع باشد؛ آن چنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیش از شصت سال بعد، آن را این گونه روایت می‌کنند: «در آن شب تاریخی پس از حمله به فیضیه در سال ۴۲ که امام راحل در خانه‌ی خود پس از نماز عشاء، برای جمع محدود و مرعوب طلاب سخن میگفت، شاید این تعبیر بلند که «اینها می‌روند و شما میمانید»، به نظر بعضی از ما بلند پروازی و آرزو پروری تلقی میشد، اما گذر زمان نشان داد که ایمان و صبر و توکل، کوه مواع را از جا می‌گند و کید دشمنان در برابر سئت الهی ناکارآمد است.» (پیام «حوزه‌ی پیشرو و سرآمد» ۱۴۰۴/۲/۱۷)

از آن تعبیر بلند و پیش بینی عجیب در آن شب تاریک و دهشت زاتاطلوع فجر پیروزی، پانزده سال به طول انجامید؛

سال هایی که با پستی و بلندی های بسیاری روبه رو بود و در مقاطعی رژیم پهلوی حتی خود را در اوج شوکت و قدرت می دید و خود و حامیانش حتی در خواب نیز نمی دیدند که پیش بینی آن مرد خدا... که حالا دیگر در تبعید بود و حتی اجازه ی ارتباط با مردمش را هم نداشت... محقق شود. امروز نیز از جتهاتی بی شباهت به آن روزها نیست؛ مستکبران عالم دست به دست هم داده اند تا راه خمینی کبیر را سد و انقلاب اسلامی، این میراث بزرگ او را که سدی در برابر مطامع شیطانی آنان است از میان بردارند؛ در آمریکا کسی بر مصدر امور است که دست کمی از فرعون ندارد، رجز می خواند و مرگ و زندگی دیگران را در دست خود می داند و تا ادعای خدایی، فاصله ی چندان ندارد؛ سگ هار این فرعون در منطقه همچنان کشتار می کند و در ظاهر، کسی



خطی که امام برای انقلاب ترسیم کردند، خط عظمت اسلام و مسلمین است؛ خط دفاع از محرومین و مستضعفان در سراسر عالم است؛ خط و راهی است که ملت ایران را در دنیا به صورت یک ملت زنده و سرافراز درآورده است.



جلودار این ماشین کشتار نیست؛ اما در همین زمانه ی اتحاد زور و زور و ترور، رهبر انقلاب نوید پیروزی می دهند و آینده را روشن و ظفر را قطعی می دانند، چنان که روز گذشته در دیدار نخست وزیر پاکستان نیز تأکید کردند که «ما به آینده ی دنیای اسلام خوش بین هستیم.» ۱۴۰۴/۳/۵

این شهادت و استقامت و ایمان و عمق اندیشی، محصول تأشی به سیره ی حضرت امام است؛ امامی که ادعا و سخنی از خود نداشت و هر چه می اندیشید و می گفت و می کرد

برگرفته از اسلام بود؛ اسلامی ناب که محدود به احکام مطهرات و نجاسات نبود و نیست و با تکیه بر فقه پویا، برای زندگی پیچیده ی بشر امروزی نیز حرف و ایده داشت و دارد. ۳۶ سال از عروج آن مرد خدای گذرد اما دشمنی ها با او نه تنها کم نشده، بلکه بیشتر نیز شده است. اگر امام مرده است، پس علت این همه دشمنی چیست؟ آیا همین دشمنی ها روشن ترین گواه زنده بودن راه و میراث او نیست؟ اگر انقلاب از مسیر خود منحرف شده بود، چه نیازی به این همه لجن پراکنی و عداوت!

همانگونه که رهبر انقلاب بارها تأکید کرده اند، مردم در اندیشه و عمل حضرت امام جایگاهی حقیقی و ویژه داشتند. این جایگاه برخاسته از یک باور قلبی بوده نه همچون دیگر سیاستمداران دنیا که مردم را توده ای موهوم و ابزاری برای کسب قدرت و رسیدن به منافع خود می دانند. امام با همین باور و نگاه در نخستین سخنرانی خود پس از ورود به میهن از تبعید، فرمودند: «من به پشتیبانی این ملت، دولت تعیین میکنم...».

امروز نیز بسیاری از پیش بینی ها و تصمیمات و اقدامات رهبر انقلاب بر اساس شناخت مردم و به پشتیبانی آن است. مردمی که علی رغم پیچیده ترین و سخت ترین عملیات ها، فشارها و حملات در حوزه های مختلف اقتصادی، فرهنگی، رسانه ای و... همچنان پای کار امام و انقلاب اند. و بالاخره باید گفت علی رغم گذشتن ۳۶ سال از رحلت جانسوز آن مرد تاریخ ساز و بزرگ، راه و خط او ادامه دارد و میثاقی که حضرت آیت الله خامنه ای در سال ۱۳۶۸ با قاطعیت درباره ادامه این خط عنوان کردند، همچنان با قوت و قدرت پابرجاست؛ «خطی که امام برای انقلاب ترسیم کردند و ده سال است که ما و ملت ایران بر اساس آن خط حرکت میکنیم، خط عظمت اسلام و مسلمین است؛ خط دفاع از محرومین و مستضعفان در سراسر عالم است؛ خطی و راهی است که ملت ایران را در دنیا به صورت یک ملت زنده و سرافراز درآورده و ما را از حالت ملت عقب افتاده ی وابسته ی مرده ای به صورت مستقل ترین و زنده ترین و فعال ترین ملت های دنیا آورده؛ خطی است که ایمان مردم و محبت مردم و عشق مردم به اسلام را برانگیخته و آنها را در این راه به فداکاری های اعجاب انگیز و بی نظیر واداشته. این خط، زندگی ما است، همه ی هستی ما است، هویت ملی و انقلابی ما است و به فضل پروردگار همین خط، با قاطعیت، با قدرت، با امید، با همان روحیه ای که امام در طول دوران نهضت و دوران انقلاب عملاً به ما تعلیم دادند به پیش خواهد رفت. ما برای تحکیم راه امام و راه انقلاب، برای فداکاری و تلاش و کوشش شبانه روزی آماده ایم، جانهای ما و خونهای ما فدای این راه و این خط است و سعادت ما در این است که زندگی مان را در این [راه] بگذرانیم؛ در این هیچ تردیدی نیست.» ۱۳۶۸/۵/۱۲

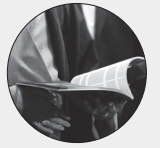


پویش ملی کتابخوانی «خط امین» با تمرکز بر آثار تقریظ شده توسط رهبر معظم انقلاب و با شعار «خط به خط با روح الله» با محوریت کتاب های «روح الله»، «گنجینه ی بی پایان» و «خاک سپاری دوم بانوی مرگ» آغاز شد.



عموم فعالین و تشکل های فرهنگی می توانند برای بیان و معرفی سیره و شخصیت بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله با برگزاری جلسات، مراسم ها و برنامه های متنوع در مساجد، مدارس و دانشگاه ها درویداد «روح الله» مشارکت کنند. شما می توانید برای ثبت نام در سامانه و اطلاعات بیشتر درباره شیوه برگزاری و دریافت محصولات پشتیبان به رمزینه مقابل مراجعه کرده و تصاویر مراسم خود را با هشتگ # خط به خط - با - روح الله منتشر کنید.

ابتکاری برای رشد گفتمان فرهنگی



روز یکشنبه ۱۱ خردادماه ۱۴۰۴ و در آستانه سالگرد رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله، «تقریظ» حضرت آیت الله خامنه ای بر کتاب «روح الله» زندگی نامه روایی و مستند امام راحل منتشر خواهد شد. انتشار مستمر تقریظ های رهبر انقلاب بر کتب مختلف از ابتدای دهه ۹۰ توسط دفتر حفظ و نشر آثار معظم له آغاز شده و ادامه دارد. اما تقریظ چیست و انتشار این یادداشت های رهبر انقلاب چه اهمیت و تأثیری دارد؟

تقریظ در معنای عام، به یادداشت نویسی، حاشیه نویسی یا اظهار نظر درباره ی متون مختلف گفته می شود؛ سنتی دیرینه در تاریخ علم و فرهنگ اسلامی که علما، اندیشمندان و بزرگان دین، برای نقد یا تکمیل آثار علمی و فرهنگی از آن بهره می بردند. در عصر حاضر نیز این سنت ارزشمند ادامه یافته و یکی از جلوه های برجسته آن در سیره ی رهبر معظم انقلاب اسلامی دیده می شود. به تصریح خود حضرت آیت الله خامنه ای، این شیوه ی یادداشت نویسی به دوران جوانی ایشان بازمی گردد؛ زمانی که کتاب هایی را که مطالعه می کردند، در حاشیه ی صفحات یا ابتدا و انتهای آن، نکاتی را یادداشت

می نمودند. این عادت فکری و فرهنگی، نه تنها از عمق نگاه و دقت مطالعه ایشان حکایت دارد، بلکه نشان دهنده ی رابطه ای زنده و پویا با کتاب است. نکته ی مهم آن است که این تقریظ ها از ابتدا محدود به حوزه ای خاص نبوده اند؛ از فقه و فلسفه تا ادبیات داستانی، شعر، تاریخ، اقتصاد، سیاست و حتی رمان ها، همگی موضوع تأمل و یادداشت نگاری ایشان قرار گرفته اند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین تقریظ های ثبت شده از رهبر انقلاب مربوط به کتاب هایی بود که در دهه ی ۱۳۶۰ توسط حوزه ی هنری منتشر می شدند؛ عمدتاً آثاری درباره ی دفاع مقدس. این کتاب ها برای ایشان ارسال می شد و ایشان در حاشیه ی آن ها یادداشت هایی می نگاشتند که اغلب به صورت دست نویس بود و بعدها در اختیار حوزه ی هنری قرار می گرفت. برخی از این تقریظ ها در قالب کتاب منتشر شدند. تقریظ های ایشان تنها تشویق نامه های ساده نیستند؛ بلکه در آن ها می توان نگاه منتقد، دقیق و ژرف اندیشانه ای را یافت. در بسیاری موارد، حضرت آقا با بیانی احترام آمیز اما موشکافانه به اصلاح یا نقد محتوای کتاب پرداخته اند. گاهی تصریح کرده اند که موضوعی به درستی درک نشده یا قضاوت نویسنده را متأثر از تحلیلات دانسته اند. در مواردی نیز به شدت به عمق و دقت یک روایت یا تحلیل ادبیات کتاب اشاره کرده اند. این تقریظ ها نوعی گفت و گوی غیرمستقیم اما مؤثر با نویسنده اند، بالحنی که هم ادب

را حفظ می کند و هم حقیقت را بیان می دارد. اهمیت این یادداشت ها فقط در نقد و تحلیل نیست؛ بلکه به دلایل مختلف، تقریظ های رهبر انقلاب کارکردهای مهمی در فضای فرهنگی ایران یافته اند:

نخست آنکه، این تقریظ ها به نوعی چراغ راه برای اهل فرهنگ و هنر شده اند. وقتی رهبری بر کتابی تقریظ می نویسند، آن اثر در کانون توجه قرار می گیرد و بسیاری از مخاطبان، به ویژه جوانان و دانشجویان، با انگیزه بیشتری به مطالعه ی آن روی می آورند. این امر به ویژه در حوزه ی ادبیات دفاع مقدس یا خاطرات شهدا مشهود است.

دوم، این یادداشت ها الگویی ممتاز از شیوه ی تعامل نخبگان با تولیدات فرهنگی ارائه می دهند؛ الگویی مبتنی بر احترام، نقد دقیق، تشویق هنرمندانه و نگاه راهبردی. و سوم، این تقریظ ها سندی زنده از روحیه ی مطالعاتی، دغدغه مند و فرهنگ دوستانه ی رهبر انقلاب هستند. مطالعه ی آن ها نشان می دهد که ایشان نه تنها با فضای فکری روز آشنا هستند، بلکه نسبت به جریان های ادبی و فرهنگی حساسیت عمیق و نگاهی آینده نگر دارند.

آنچه امروز در قالب کتاب یا رسانه ها از این یادداشت ها در دسترس قرار گرفته، گنجینه ای گران بها از اندیشه و نقد فرهنگی است. این تقریظ ها نه فقط به عنوان بخشی از خاطره ی مطالعاتی رهبری، بلکه به مثابه ابزاری برای رشد گفتمان فرهنگی، ارتقای سطح مطالعه و تکریم نویسندگان متعهد، نقش آفرین و مؤثرند.

روایت

روایت نویسنده کتاب روح الله از ماجراهای نگارش این کتاب

فکر نوشتن از «روح الله»



هادی حکیمیان

- متولد ۱۳۵۷ شهر یزد
- دانش آموخته تاریخ
- مدرس و عضو انجمن داستان نویسان حوزه هنری استان یزد

هادی حکیمیان در «روح الله» از نقطه ی عزیمت فکری خود برای نگارش این اثر می گوید؛ از مواجهه اش با سندی کمتر دیده شده درباره ی نقش امام خمینی در انتخابات دوره ی هفدهم یزد، تا دغدغه ی پاسخ به سه پرسش اساسی درباره ی انقلاب اسلامی. او همچنین از مسیر پژوهش در خلوت شهرستان تا دلگرمی ای که از توجه رهبر انقلاب به کتاب گرفته است سخن می گوید.

من زمان دانشجویی، مقاله ای نوشتم با عنوان «انتخابات دوره ی هفدهم یزد؛ عرصه ی کشمکش نیروهای سیاسی». در حین تحقیق و پژوهش پیرامون این رویداد، یک سند جالب دیدم که در نشریات آن زمان یزد و در مرکز اسناد یزد، از طرف امام خمینی به مرحوم سید علی محمد وزیری، یکی از روحانیون یزد، نوشته شده بود. در این نامه، امام گفته بودند که در جریان این انتخابات، شما بروید مردم را تشویق کنید که در انتخابات شرکت کنند. دلیلش هم این بود که مرحوم شیخ مهدی حائری، فرزند حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه ی علمیه ی قم، از یزد کاندید شده بود. امام در آن نامه نوشته بود که اگر شیخ

مهدی رأی نیاورد، به طور عام برای روحانیون بد است و به طور خاص تر برای حضرات یزدی خیلی بد می شود که این آدم در شهر خودش رأی نیاورد. بنابراین باید روحانیون مردم را تشویق کنند و به ایشان رأی دهند.

اولین جرقه نگارش

این سند برای من خیلی جالب بود و جرقه ی اولیه ای در ذهنم زد. چون واقعاً نمی دانستم که امام در آن زمان این قدر کشش و فعال سیاسی بوده اند. برای من همواره امام به گونه ای معرفی شده بود که انگار فعالیت های سیاسی شان از سال ۴۱ و مخالفت با لویح شش گانه آغاز شده است. بعد کم کم علاقه مند شدم درباره ی شخصیت امام مطالعه کنم. به ذهنم آمد که می شود مقاله ای بنویسم درباره ی این بُعد از شخصیت امام که مغفول مانده است. شروع کردم به فیش برداری و اطلاعاتم به حدی رسید که متوجه شدم می شود یک کتاب در این باره نوشت.

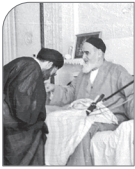
پرسش از ریشه های انقلاب

من در کتاب «روح الله» در پی پاسخ به سه سؤال اساسی بودم. اول اینکه اساساً چه لزومی داشت در سال ۵۷ در ایران انقلاب بشود. در سال های اخیر هم دیدیم که با جریان تحریف انقلاب و حتی تحریف شخصیت امام روبه روستیم. حضرت آقا هم در سخنرانی شان در خرداد سال ۱۳۹۴ به اهمیت این قضیه اشاره داشتند که نکته ی خیلی مهمی است. این سؤال اصلاً برای جوان امروزی پیش آمده که چرا اصلاً انقلاب شد و چه لزومی داشت انقلاب بشود در ایران؟ سؤال بعدی این است که حالا این انقلاب چرا باید ماهیتی مذهبی داشته باشد؟ چون جریانات دیگری هم داشتیم که مدعی بودند، مثلاً جریان های لیبرال، ملی گراها و حتی جریان

چپ آن زمان که خیلی قوی بود. هنوز جهان دو قطبی بود و اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت و مارکسیست ها و کمونیست ها هم بودند و آن ها هم مدعی بودند. بنابراین سؤال دوم این است که چرا این انقلاب باید مذهبی باشد؟ سؤال سوم اینکه این انقلاب چرا از ابتدا یکی از مهم ترین مؤلفه هایش غرب ستیزی و آمریکاستیزی بود. و اینکه چرا این بعد غرب ستیزی و آمریکاستیزی تا به امروز هم باید حفظ شود و هم چنان باید این ها نگهداری شوند؟ این سه سؤال را من می خواستم پاسخ بدهم.

نگاه فرمانده به دورترین سرباز

وقتی شما در یک شهرستان دور از مرکز نشسته اید و دارید می نویسید، کار نوشتن به نوعی کار تنهایی است. برخی کارها مثل تئاتر، سینما و موسیقی کارهای جمعی هستند، ولی کسانی که کار پژوهش انجام می دهند، بیشتر اهل خلوت اند. آن ها در تنهایی و خلوت خودشان کار می کنند. گاهی این حس پیش می آید که انگار فراموش شده اید و هیچ کس به شما توجه ندارد. اما وقتی این کار تأیید می شود و مورد توجه رهبر انقلاب قرار می گیرد، متوجه می شوید که حتی اگر دورترین نقطه هم نشسته باشید، به عنوان یک فرد جزء و سرباز، نگاه فرمانده به دورترین نقاط هم هست. اصلاً جایگاه رهبری همین است. رهبر آن قدر آفاق دیدش وسیع است که دورترین سربازهایش را هم می بیند و مورد لطف خود قرار می دهد. این موضوع خیلی دلگرم کننده است و آدم امیدوار می شود که کارش دیده می شود و کسانی هستند که پشتیبان او هستند، آن هم در بالاترین سطح، یعنی بالاترین مقام سیاسی و مذهبی کشور.

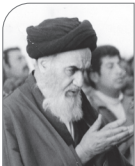


به برکت «روح الله»

یک حدیثی است که این حدیث را در «کشف المحجوب فی سیرة ارباب القلوب» [دیدها]... روایتش این بود که پیغمبر اکرم به اصحاب خودش خبر میداد که در آینده کسانی می آیند که این جورند، این جورند، این جورند، از جمله این بود که «يَتَحَاوُونَ بِرُوحِ اللَّهِ»؛ به روح خدا با یکدیگر تحبب میجویند و به برکت روح خدا همدیگر را دوست میدارند... این حدیث خیلی حدیث جالبی است؛ یک وقتی حدیث را خدمت امام بردم و برای خود امام هم حدیث را خواندم. البته ایشان نه رد کردند و نه اثبات کردند که معنایش این است؛ همین طور گوش کردند و یک تبسمی کردند. • جلسه هفتم تفسیر سوره مجادله

حدیث زندگی

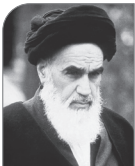
عابدان شب؛ شیران روز



امروز به زیارت امام رفتم... چهره ی خندان و مهربانش اندکی خسته و بیمارگونه است اما سعی میکند نشانه ای از افسردگی در آن نباشد... از اوضاع جاری و جنگ مسئولانه میپرسد و به جوابها با دقت گوش میدهد. سمینار دیروز را گفتم. معلوم شد خبرهای آن را از رادیو شنیده و در جریان است. این روح بزرگ، این انسان فوق العاده، این دل مطمئن و متوکل و این عقل قوی و راسخ در همه ی حالات خود حتی در هنگامیکه نیمی از قلب او از کار افتاده است، با همه ی شخصیتش زندگی میکند: «زُهَبَانُ اللَّيْلِ وَأَسَدُ النَّهَارِ»^(۱). ۱۴ فروردین ۱۳۶۵ | الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۲۳۲

کلام امام، نقشه راه انقلاب

مملکت ما زمانی اسلامی است که تعالیم و احکام اسلام در آن جاری بشود



مملکت ما وقتی مملکت اسلامی است که تعالیم اسلام در آن باشد. اگر تعالیم اسلامی در آن نباشد، اسلامی نیست؛ هر چه ما بگوییم «جمهوری اسلامی»، جمهوری اسلامی لفظ نیست. با رأی ما جمهوری اسلامی تحقق پیدا نمی کند. بله، رژیم رسمی رژیم جمهوری می شود لکن اسلامی نمی شود مگر آنکه احکام اسلام در او جاری بشود. با جریان قانون اساسی هم اسلامی نمی شود؛ با مجلس شورا هم اسلامی نمی شود. اینها همه مقدمه است. وقتی می توانید بگویید که مملکت اسلامی است که بازار اسلامی بشود؛ تهذیب نفس باشد... همه افراد اسلامی باشند. الگو حضرت زهرا علیها السلام است. الگو پیغمبر اسلام است. ما وقتی مملکتمان اسلامی است، وقتی می توانیم ادعا کنیم که جمهوری اسلامی داریم، که تمام این معانی که در اسلام است تحقق پیدا بکند... امام خمینی رحمه الله: ۱۳۵۸/۳/۸

خطبه های انقلاب

ظهور و حضور تربیت امام خمینی رحمه الله کار خدا بود



فاتحان جنگ بین الملل اول و دوم که عمدتاً چند کشور اروپائی و آمریکا بودند، اینها برای این منطقه ی مهم خاورمیانه یک سیاست تثبیت شده ای داشتند... عموماً به طور مطلق که نگاه میکنیم، در همه ی این بخشها اینها پیشرفت کردند، تا قبل از انقلاب. اما ناگهان حادثه ی بزرگی، انفجار عظیمی رخ داد که همه ی اوضاع اینها را به هم ریخت. یک مرد عالم، برجسته، حکیم، فقیه، مجاهد، شجاع، خطرپذیر و نافذ الکلمه به نام امام خمینی در ملت ایران ظهور کرد که حقیقتاً ظهور این مرد، حضور این مرد، تربیت این انسان بزرگ، کار خدا بود.

• ۱۳۶۸/۷/۲۸ | بیانات در خطبه نماز جمعه

وصیت نامه امام

فرازی از وصیت نامه امام خمینی رحمه الله

خنثی سازی تبلیغات تفرقه افکن را مهم بدانید



اینجانب به همه نسلهای حاضر و آینده وصیت می کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است... امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه افکنی خانه برانداز است.

«روح الله»

انتشارات: شهرستان ادب

نویسنده: هادی حکیمیان

۴۱۲



حکایت زمانه امام روح الله

کتاب «روح الله» بیش از آن که راوی «زندگی» امام رحمه الله باشد، حکایتگر «زمانه» اوست. گزارش هایی پر جزئیات از اوضاع اجتماعی و سیاسی کشور، حدفصل تولد تا درگذشت امام، در حدود نیمی از کتاب پرنگ است و به چشم می آید. امام خمینی رحمه الله برای متولدین دهه ۶۰ تصویری است برخاسته از خاطرات بزرگترها و آنچه در میدان هنر و رسانه از این مرد بزرگ بازآفرینی شده است. در عرصه کتاب نه اینکه جای امام خالی باشد اما آنچه از مرد تاریخ ساز ایران در عالم کتاب حکایت شده، حتی اندکی از آنچه باید باشد نیست.

تمام بازار نشر را که زیر و رو کنیم معدودی روایت داستانی با محوریت زندگی امام سید روح الله خمینی رحمه الله پیدا می کنیم. گل سرسبدشان «سه دیدار» مرحوم نادر ابراهیمی است؛ روایتی خیره کننده و کم نظیر در ادبیات داستانی ما. نمونه های دیگری هم هستند، مثل «الفلام خمینی» آقای بهبودی که تلفیق یک مستندنگاری تاریخی و آفرینش ادبی است. یا کتاب هایی از نویسنده های جوان تر مثل «سی مرغ سیمرغ» از محمد قائم خانی که روایت کم حجم و روانی از زندگی امام است. یک اثر تازه اما چشم انداز متفاوتی برای روایت امام در ادبیات داستانی ما آفریده است. کتابی به نام «روح الله» اثر هادی حکیمیان که توسط انتشارات شهرستان ادب منتشر شده است. «روح الله» کتابی مفصل و با جزئیات است که سر صبر و حوصله به بازخوانی زندگی حضرت امام می پردازد؛ با تمهیدهای داستانی فکر شده و خلاقانه. یکی از ویژگی های خاص کتاب توجه نویسنده به روایت «روزگار امام» است. این ویژگی سبب خلق پرتره شفاف از امام خمینی شده است. نویسنده «روح الله» هر بار که تلاش کرده زاویه نگاه خود را به شخصیت اصلی کتاب نزدیک کند، توفیقات قابل توجهی کسب کرده. برای مثال می شود نگاهی انداخت به جملات آغازین فصل سوم کتاب در صفحه ۸۸ یا تصویرسازی کتاب از تنها دیدار امام و محمدرضا پهلوی که جذاب و به یادماندنی است؛ و... همه ی

این روایت ها نشانه های مهارت بالای نویسنده در صحنه پردازی اند که به کتاب کیفیتی متمایز و تجربه نشده در جهان ادبیات ما می دهند.



برای مطالعه متن نظریات این کتاب را اسکن کنید